

تأثیر موفقیت راست‌گرایان افراطی در انتخابات بر سیاست خارجی فرانسه

پیام «شیاطین جمهوری» برای پوتین: از پاریس با عشق



نوژن **اعتضاد السلطنه**

«شیطان جمهوری» لقبی است که مخالفان «ژان ماری لوپن» رهبر کهن‌سال پیشین حزب «جبهه ملی» فرانسه، برای او برگزیده بودند. با وجود آنکه «مارین لوپن»، دختر جانشین او، سعی کرد چهره لطیف‌شده‌ای از آن جریان راست‌گرای افراطی به نمایش بگذارد بااین‌حال، هنوز هم تصور قدرت‌گیری این جریان که از سوی منتقدانش «فاشیستی» قلمداد می‌شود، به‌ویژه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۷ به کابوس محافظه‌کاران و سوسیالیست‌ها تبدیل شده است به گونه‌ای که «فرانسوا اولاند»، رئیس‌جمهوری فرانسه، پس از موفقیت اخیر جبهه ملی در دور اول انتخابات منطقه‌ای و کسب بیشترین آرا در شش منطقه از ۱۳ منطقه، خواستار اتحاد با راست‌های میانه برای جلوگیری از به قدرت‌رسیدن این جریان سیاسی شد. علاوه بر همجنس‌گرایان، اصلی‌ترین هدف حمله جبهه ملی فرانسه، مهاجران هستند؛ از مسلمانان تا یهودیان. «یک میلیون مهاجر برابر با یک میلیون فرانسوی بی‌کار» شعار جبهه ملی فرانسه در دوران رهبری ژان ماری لوپن بود که یادآور شعار ۵۰۰ هزار بی‌کار، ۴۰۰ هزار یهودی» دوران حکومت نازی‌ها در آلمان تحت رهبری «آدولف هیتلر» است.

تمرکز اصلی جبهه ملی فرانسه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۲ میلادی روی مسائل داخلی از جمله امنیت و سیاست‌های مهاجرتی بود و جز در رابطه با اتحادیه اروپا و حمایت از خروج فرانسه از آن اتحادیه، آن جریان سیاسی اظهارنظر دیگری درباره سیاست خارجی نداشت. در انتخابات اخیر نیز لوپن با بهره‌مندی از فرصت ایجادشده پس از حوادث تروریستی اخیر و دیوانه‌وارخواندن سیاست پذیرش دولت و حمله شدید به اولاند، اهداف خود را پیش می‌برد. بااین‌حال، مارین لوپن، رهبر آن حزب، درباره سیاست خارجی و اهدافش سکوت نکرده و رفتار سیاسی او نیز این موضوع را نشان می‌دهد. در انتخابات اخیر علاوه بر تمام جناح‌ها و چهره‌های سیاسی داخلی، بازیگران اروپایی و آمریکا نیز از موفقیت جبهه ملی راضی نبودند. شاید هیچ‌کس به اندازه «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، از برد جبهه ملی خوشحال نشده باشد. اگر در دوران شوروی «ک‌ک‌ب» با استفاده از «اقدامات فعال» به حمایت از سازمان‌هایی در غرب می‌پرداخت که اکثر احزاب طرفدار روسیه و کمونیست بودند، امروز کرملین خلاف احزاب کمونیستی سابق، از احزاب راست‌گرای افراطی در اروپا حمایت مالی و سیاسی می‌کند که خواستار تقویت نفوفاشیسم هستند. شاید بیشتر شبیه رمان‌های پلیسی و جاسوسی به نظر برسد، اما واقعیت آن است گزارش‌هایی از سوی رسانه‌های مختلف منتشر شده‌اند که این موضوع را تأیید می‌کنند. برای مثال، روزنامه «گاردین» در دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی گزارش داد روسیه با ارائه کمک مالی به احزاب اروپایی راست‌گرای افراطی مخالف اتحادیه اروپا، برای تضعیف‌کردن آن نهاد تلاش می‌کند. صحت این گمانه‌زنی زمانی قوت گرفت که «مارین لوپن» در نوامبر سال ۲۰۱۴ میلادی تأیید کرد وامی ۴.۹ میلیون یورویی را از بانک «فرست چک راشن» در سپتامبر همان سال دریافت کرده بود. او ضمن دفاع از اقدام خود، گفته بود با بانک به توافق رسیده و از این موضوع بسیار خرسند است، اما به نظرش مسخره است که مخالفانش دریافت یک وام را نشانه‌ای از موقعیت و موضع آن جریان سیاسی در قبال مسائل بین‌المللی قلمداد کردند. او کسانیی که جبهه ملی را به کمک‌گیری از روسیه متهم کرده بودند، افرادی دانست که نظراتی ظالمانه و توهین‌آمیز را بیان می‌کنند. لوپن استدلال کرد زمانی‌که بانک‌های اروپایی حاضر به پرداخت کمک نبودند، جبهه ملی چاره دیگری جز رزاوردن به نهادهای مالی روسی نداشت.

بااین‌حال، جبهه ملیی اولین جریان راست‌گرای افراطی نیست که از روس‌ها و نهادهای مالی آن کشور وام و کمک مالی دریافت می‌کند. پیش از آن نیز درباره حزب «شفق طلایی» یونان، حزب «جوینگ» مجارستان و حزب «آزادی» اتریش گزارش‌هایی وجود داشته‌اند که نشان می‌دهند آنها از روس‌ها کمک دریافت کرده‌اند.

گزارش «تامپز» نیز نشان می‌دهد روسیه در جریان برگزاری همه‌پرسی در شبه‌جزیره «کریمه» برای الحاق آن منطقه از اوکراین، از نمایندگان تمام احزاب راست افراطی اروپا برای نظارت بر روند برگزاری انتخابات دعوت به عمل آورده بود.

در آن زمان، نمایندگان جبهه ملی فرانسه با این هدف به روسیه سفر کردند تا به گفته خود، «درک بهتری از زندگی واقعی در آن کشور به دست آورند» و علیه «اطلاعات غلط و تحریف‌شده رسانه‌های غربی» مقابله کنند. این سفر از سوی بنیاد روسی برای صلح سازماندهی شده بود که ریاست آن را «ولادیمیر ژرینووسکی» برعهده داشت که از نمایندگان ملی‌گرای افراطی در دومای روسیه محسوب می‌شود. او سفر حیات جبهه ملی را تحسین کرد و از آن به عنوان «بزرگ‌ترین هیأت سیاسی و پارلمانی غربی» از زمان «پهار کریمه» یاد کرد که اشاره‌اش به الحاق آن منطقه به روسیه و جدانشدن از اوکراین بود. ناظران جبهه ملی فرانسه اعلام کردند انتخابات کریمه نه‌تنها معتبر بود، بلکه «مشروعیت مضاعف» داشت، چراکه از سویی بیانگر اراده آزادانه روس‌های ساکن منطقه بود و از سوی دیگر، مشروعیت سیاسی را به همراه داشت و بازتابی از گزینش‌ای دموکراتیک و انتخابی مردمی بود. در مقابل، «لودویک دودان»، سخنگوی لوپن، انقلاب کی‌یف را غیرمشرع خواند. او نتایج همه‌پرسی کریمه را نشانه‌ای از تمایل احساسی به روسیه از سوی اکثریت مردم منطقه خواند و اظهار کرد کریمه از نظر تاریخی نیز بخشی از روسیه مادر بوده است. او تحریم‌های وضع‌شده علیه روسیه را ناعادلانه قلمداد کرد و گفت این موضوع سبب ایجاد عدم توازن در عرصه سیاسی شده و سیاست‌های غرب در برابر روسیه را بسیار خطرناک خواند.

در فرانسه این سفر با انتقادات زیادی همراه شد. وزیر خارجه آن کشور این سفر را شوک‌آور خواند، درحالی‌که مجلس ملی تلاش کرده بود تا از سفر نمایندگان مجلس جلوگیری کند. دراین‌میان رئیس «گروه دوستی فرانسه و روسیه» از حزب «سوسیالیست» در مجمع ملی آن کشور، نیز سفر صورت‌گرفته را خلاف سنت‌های جمهوری و آسیب‌زننده به دیپلماسی فرانسوی قلمداد کرد. در جریان آن سفر، یکی از ستاوه‌وزیر در مسکو تی‌شرت را خرید که روی آن نوشته شده بود: «اوپاما تو بی‌عناد هستی». درنهایت، نمایندگان جبهه ملی اظهار کردند ساکنان کریمه از الحاق به روسیه خوشحال هستند. این اما نخستین باری نبود که روابط نزدیک و خاص سیاسی و دیپلماتیک جبهه ملی فرانسه با روسیه آشکار می‌شد. در ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی لوپن به طور رسمی از مسکو بازدید کرد. این بازدید با دعوت از سوی «سرگئی لاریشکین»، معاون دوما، صورت گرفته بود. در جریان این سفر، لوپن با «دیمیتری روگوزین»، معاون نخست‌وزیر روسیه، نیز دیدار کرد و دوطرف درباره منافع مشترک با یکدیگر صحبت کردند؛ از وضعیت ناآرام سوریه، چشم‌انداز قوانین اتحادیه اروپا تا موضوع ازدواج همجنس‌گرایان. روگوزین شخصی است که در سال ۲۰۰۵ میلادی در جریان برگزاری یک تظاهرات ضدمهاجرت شعار «مسکو را از آشغال تمیز و پاک کنید» را سر داد که منظور او از «آشغال» خارجی‌ها و مهاجران بودند. در آوریل سال ۲۰۱۴ میلادی فقط چند هفته پیش از انتخابات پارلمانی اروپا، لوپن برای دومین بار به مسکو رفت و کمتر از یک

سال، دو سفر به روسیه انجام داد. او بار دیگر با مقام‌های قبلی دیدار کرد و گفت موضع اتحادیه اروپا در قبال روسیه بر سر منازعه اوکراین در راستای روابط دوستانه سنتی فرانسه و روسیه و بر پایه منافع اقتصادی فرانسه و هیچ‌یک از کشورهای اروپایی نبوده است. لوپن در جریان این سفر ضمن انتقاد از موضع اتحادیه اروپا در قبال روسیه و بحران اوکراین، آن را جنگ سردی علیه روسیه اعلام کرد. او اظهار کرد کریمه بخشی از خاک روسیه است و نهایت چیزی که پوتین به ساکنان روس‌تبار کریمه داد، حق الحاق دوباره آنان به سرزمین مادری‌شان بود. واکنش جبهه ملی در مواجهه با تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه نیز جالب توجه بود. در سپتامبر ۲۰۱۴ زمانی که دولت فرانسه در هم‌راستایی با تصمیم سایر کشورهای اروپایی، خود را متعهد به تعویق در تحویل کشتی‌های تهاجمی کلاس میس‌ترال به مسکو دانست، جبهه ملی باشدت با این تصمیم مخالفت کرد و به طور آشکارا از دولت اولاند خواست تا قرارداد فرانسه و روسیه را که در سال ۲۰۱۱ میلادی امضا شده بود اجرا کند. جبهه ملی در آن زمان دولت فرانسه را متهم به تأثیرپذیری از فشارهای خارجی به طور خاص از آمریکا، بریتانیا و آلمان برای به تعویق‌انداختن تحویل کشتی‌ها به روسیه کرد.

رهبر جبهه ملی فرانسه در بحران سوریه نیز قویا از موضع روسیه حمایت کرده است. او در سال ۲۰۱۳ میلادی در مصاحبه‌ای با کانال تلویزیونی «سما تی وی» که مالکیت آن متعلق به «رامی مخلوف»، پسرعموی «بشار اسد»، رئیس‌جمهوری سوریه، است ضمن محکوم‌کردن کمک کشورهای غربی و کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس به مخالفان اسد، گفت آنان با این کار فقط به تقویت «بنیادگرایی مذهبی» کمک کردند. لوپن دولت‌های غربی را به اجرای سناریویی مشابه لیبی در سوریه متهم کرد. او هشدار داده بود ادامه این روند به تأسیس حکومتی مذهبی و اجرای قانون شریعت در سوریه خواهد انجامید که به ضرر حقوق و آزادی‌های فردی تمام شهروندان به‌ویژه زنان خواهد بود. لوپن در آن مصاحبه، ترکیه را متهم به جاه‌طلبی برای کسب قدرت رهبری منطقه کرد و گفت آن کشور در همکاری با قطر و عربستان سعودی، به بحران سوریه دامن می‌زند.

مارین لوپن طرح مشابه حزب «فجر طلایی» یونان را برای گسترش همکاری‌ها با روسیه ارائه داده بود. از نظر او نخستین قدم در این راستا باید تشکیل ائتلافی سه‌جانبه میان پاریس، برلین و مسکو باشد. او در ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی در جریان سخنرانی‌ای در انستیتو دولتی روابط بین‌الملل مسکو، گفته بود: «من متوجه نمی‌شوم ناتو می‌خواهد از ما در برابر چه دشمنی محافظت کند». او در همان سخنرانی از اتحادیه اروپا به عنوان «سگ پودل» تابع آمریکا یاد کرده بود. یکی از نمایندگان جبهه ملی نیز از پوتین به عنوان امید جهان علیه تمامیت‌خواهی جدید یاد کرده بود که معنای آن «الیکارشی مالی آمریکایی و اروپایی» بود.

از نظر ژئوپلیتیک، بسیاری از احزاب راست افراطی به روسیه به دیده دشواری می‌نگرند که توانسته استقلال خود را از ناتو کسب کند، لیبرالیسم غربی را نادیده گیرد و حاکمیت خود را در مواجهه با غرب احیا کند. ویژگی ضدآمریکایی این جریانات سبب می‌شود تا آنان به روسیه نزدیک‌تر شوند. پوتین در سخنرانی‌ای در سپتامبر ۲۰۱۳ گفته بود باید به ارزش‌های سنتی بازگشت و هویت ملی را احیا کرد

شواهد این چنینی برای هر ناظر مسائل سیاسی، پرسش درباره چرایی تعامل میان راست‌گرایان افراطی و روسیه را مطرح می‌کند که باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

در بعد ایدئولوژیک، ایدئولوژی پوتین بر این مبناست که غرب (آمریکا و اتحادیه اروپا) در حال زوال است و نابودی آن غریقابل اجتناب است. بسیاری از رهبران احزاب راست افراطی اروپا در این دیدگاه با او هم‌عقیده هستند و باور دارند که غرب بیمار شده و این به دلیل جدافسادن غرب از ارزش‌ها و میراث فرهنگی اصیل بوده است. با وجود آنکه برای اکثریت سیاست‌مداران اروپایی سیاست‌های پوتین «محافظه‌کارانه» و «ضددموکراتیک» محسوب می‌شود، برای راست‌گرایان افراطی اروپایی این سیاست‌ها دلپذیر هستند. راست‌گرایان افراطی اروپایی از جمله مارین لوپن، پوتین را یک میهن‌پرست واقعی و مدافع ارزش‌های اروپایی و «میراث مسیحی و تمدن اروپایی» قلمداد می‌کنند. «گابور وونا»، رهبر حزب ملی‌گرای افراطی جوینگ مجارستان، نیز احساس تمایل خود به پوتین را پنهان نکرده و گفته بود اروپایی‌ها در یک کشتی در حال غرق‌شدن هستند. او اشاره کرده بود آنان در حال دست‌دادن ارزش‌های اروپایی و ریشه‌های سنتی و فرهنگی خود هستند و باید به بازسازی روابط با تنها نماینده فرهنگ سنتی و ریشه‌دار در شرق بپردازند تا این میراث احیا شود که اشاره او به روسیه بود. او در جریان، یک سخنرانی در دانشگاه «لومونوسوف» در مسکو در می سال ۲۰۱۳ میلادی گفته بود امروز روسیه بهتر از آمریکا نماینده ارزش‌های اروپایی است و از فرهنگ مبتنی بر پول پیروی نمی‌کند.

از منظر ارزش‌های اجتماعی نیز رویکرد پوتین شباهت و همسانی زیادی با احزاب راست‌گرای افراطی دارد. پوتین بارها تأکید کرده نیاز به مقابله با «پروپاندای همجنس‌گرای» وجود دارد و این موضوع ارزش‌های خانوادگی



را تهدید می‌کند. او گفته بود خلاف لیبرالیسم غربی، در روسیه حقوق همجنس‌گرایان معنا ندارد. در ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی روسیه قانونی را تصویب کرد که هرگونه «تبلیغات روابط جنسی خارج از سنت» را ممنوع می‌کرد. جای تعجب ندارد که سازمان جوانان جبهه ملی فرانسه نیز از این موضوع حمایت کرد و خواستار اتخاذ خط‌مشی مشابه در فرانسه شد.

در بعد مسائل بین‌المللی، مانند پوتین سیاست‌مداران راست افراطی نیز مخالف جهانی‌شدن هستند و آن را نیرویی می‌دانند که ملت-دولت و ساختار و اقتدار آن را نابود می‌کند. آنان اصولا نگران چند فرهنگ‌گرایی هستند و آن را تهدیدی علیه فرهنگ و سنت‌های ملی می‌دانند. پوتین گفته بود چند فرهنگ‌گرایی در غرب شکست خورده، چراکه مصنوعی، ساختگی و فاقد ریشه بوده است. تمام راست‌گرایان افراطی اروپایی نیز با این موضوع موافق هستند و باور دارند که چند فرهنگ‌گرایی در کنار مهاجرت ناخواسته از آسیا و آفریقا به اروپا مشکلاتی را ایجاد کرده است.

موضوع دیگر پدیده نابودی نسل اروپایی است. احزاب راست افراطی اروپا با انگیزه‌های آشکار و نهان نژادپرستانه و بیگانه‌هراسانه، معتقدند جهانی‌شدن و مهاجرت‌های ناخواسته سبب می‌شوند تا دیگر تمدن بزرگی وجود نداشته باشد.

در بعد اقتصادی نیز همان‌گونه که پوتین خود را نمادی از گذار روسیه به دوران قدرتمند پس از ضعف دوران هرج‌ومرج پس از سقوط شوروی و دوران پساجنگ سرد معرفی می‌کند، راست‌گرایان افراطی اروپایی او را ستایش می‌کنند؛ از جمله «نایجل فاراژ»، رهبر حزب «استقلال» بریتانیا، که گفته بود استراتژی او در کنترل دولتی بر اقتصاد روسیه کارآمد بوده است. راست‌گرایان افراطی اروپایی شعارهای ضدسرمایه‌داری می‌دهند و ماهیت مصرفی سرمایه‌داری غربی را رد می‌کنند.

همچنین راست‌گرایان افراطی اروپا و روسیه هر دو مخالف ناتو هستند. راست‌گرایان افراطی باور دارند که ناتو مانع استقلال عمل کشورها در تنظیم سیاست خارجی مستقل‌شان شده است. برای آنان، ناتو ابزار واشنگتن در راستای احیای سیاست‌های آمریکا با هزینه اروپاست؛ درنتیجه، نزدیکی به روسیه می‌تواند اهرمی برای مقابله با قدرت آمریکا و نفوذ آن کشور بر اروپا باشد. مخالفت با اتحادیه اروپا نیز نقطه اشتراک مهم دیگر آنان با روسیه بوده است. احزاب راست افراطی به اتحادیه اروپا و کارکرد آن بدبین هستند، چراکه باور دارند آن نهاد، حاکمیت ملی دولت‌ها را نقض کرده است. بسیاری از آنان باور دارند که فروپاشی اتحادیه اروپا سبب احیا و تقویت دوباره ارزش واحد پول ملی کشورهای اروپایی خواهد شد.

نوع ادله روسیه از طریق مشت آهنینی نیز نکته جذاب دیگری برای راست‌گرایان افراطی اروپاست. آنان از پوتین نماد یک رهبر اقتدارگرا را در ذهن دارند. اکثر راست‌گرایان افراطی، او را رهبری ملی‌گرا و میهن‌پرست می‌دانند که خواستار احیای غرور ملی روسی است. روی دیگر سکه نیز آن است که روسیه با استفاده از قوه قهریه درصد اعمال قدرت ملی روسی در فراتر از مرزهای آن کشور از جمله در کریمه است که مورد حمایت لوپن قرار گرفت و آن را کار خوبی برای روسیه و روس‌ها دانست، روحیه توسعه‌طلبانه جنبش‌های راست افراطی سبب می‌شود تا آنان به روسیه و پروژه پوتین احساس نزدیکی بیشتری کنند.

از نظر ژئوپلیتیک، بسیاری از احزاب راست افراطی به روسیه به دیده دشواری می‌نگرند که توانسته استقلال خود را از ناتو کسب کند، لیبرالیسم غربی را نادیده گیرد و حاکمیت خود را در مواجهه با غرب احیا کند. ویژگی ضدآمریکایی این جریانات سبب می‌شود تا آنان به روسیه نزدیک‌تر شوند. پوتین در سخنرانی‌ای در سپتامبر ۲۰۱۳ گفته بود باید به ارزش‌های سنتی بازگشت و هویت ملی را احیا کرد. او چند فرهنگ‌گرایی را تهدیدی علیه حیات بشری قلمداد کرده بود و جهانی‌شدن را نیروی نابودکننده دولت-ملت قلمداد کرد و از فراموشی گستاخه مسیحی و در حال زوال‌بودن غرب گفت. پوتین در این سخنرانی افزود: «جامعه یوروآتلانتیک پاسخ‌گوی مشکلات نیست، بلکه خود ریشه مشکلات است».

اگر احزاب راست افراطی به روسیه به عنوان متحدی استراتژیک در مقابله با اتحادیه اروپا و تضعیف ناتو می‌نگرند، کرملین نیز دیدگاه مشابهی به آنان دارد. این احزاب به مسکو کمک می‌کنند تا نفوذ ژئوپلیتیک خود را در جنوب شرقی و غرب اروپا گسترش دهد. ویژگی ضدلیبرایی، باور به اقتدارگرایی، محافظه‌کاری اجتماعی، سنست‌گرایی و ضدیت با ایدئولوژی غربی ویژگی مشترک بخش اعظم احزاب راست افراطی با روسیه هستند.

از دید احزاب راست افراطی ازجمله جبهه ملی فرانسه، روسیه از نظر ژئوپلیتیک بدیلی در برابر اتحادیه اروپا و ناتو و مهارکننده تعمیق پروژه ادغام اروپایی و افزایش مداخلات آمریکا در امور دفاعی کشورهای اروپایی است که از دید این احزاب ناخوشایند و مغایر با رویکرد ملی نسبت به حاکمیت دولت‌ها و موضوع استقلال است. از این دیدگاه، احیای قدرت روسیه نه‌تنها به عنوان یک تهدید از سوی آن احزاب قلمداد نمی‌شود، بلکه تغییری خوشایند است که می‌تواند به توازن قوا در اروپا و تسهیل مسیر انحلال اتحادیه اروپا پیروزی احزاب راست افراطی در کشورهای اروپایی می‌تواند بر دولت‌های ملی فشار وارد آورد که موضوع دوستانه‌تری در قبال مسکو اتخاذ کنند. آنان خواستار تغییرات بنیادین در سیاست‌های اتحادیه اروپا هستند. آرزوی آنان جرخش قاره سبز به سوی کرملین و ترک آمریکاست.

جهان

یادداشت

ترامپ وسخنان جنجالی‌اش

«دونالد ترامپ»، کاندیدای پیشرو حزب جمهوری‌خواه آمریکا، این روزها به دلیل سخنان جنجالی‌اش، تبدیل به یکی از چهره‌های مشهور روی شبکه‌های اجتماعی و اینترنت شده است. اگر نام او را در صفحه گوگل جست‌وجو کنید، بیش از ۱۲۰ میلیون نتیجه پیدا می‌کنید که خود یک رکورد در این زمینه محسوب می‌شود. او حتی از اعلام شماره تلفن همراه «لندیزی گراهام»، یکی از رقبای هم‌حزبی خود، در یک سخنرانی عمومی نیز ابایی ندارد. او صاحب موسسات تجاری و اقتصادی زیادی است و نامش به عنوان رئیس یا صاحب بیش از ۴۰۰ شرکت تجاری، به‌ویژه در زمینه ساخت‌وساز، ثبت شده است. هرچند در مدارک منتشرشده از سوی تیم تبلیغاتی این نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا، ثروت او ۵۰ میلیون دلار اعلام شده و همین امر نیز جنجال‌برانگیز شده است، چراکه این میزان ثروت اعلام‌شده با توجه به دامنه فعالیت تجاری دونالد ترامپ، غیرواقعی به نظر می‌رسد.

عجیب‌ترین این سخنان که واکنش‌های زیادی هم در آمریکا به دنبال داشت، درباره مهاجران مکزکی مطرح شده است. دونالد ترامپ در یک سخنرانی با خطاب قراردادن جامعه مکزکی‌سی آمریکا به طور اخض آنها را متجاوز و عامل توزیع مواد مخدر مخالف جهانی‌شدن هستند و آن را نیرویی می‌دانند که ملت-دولت و ساختار و جنایت در آمریکا دانست. تصویری از این نامزد جمهوری‌خواهان روی پرچم آمریکا که در روز چهاردهم جولای منتشر شد، نیز جنجال‌برانگیز بود. در کنار عکسی از دونالد ترامپ که در میان ستاره‌های پرچم آمریکا نمایش داده می‌شد، تصاویری نیز از سربازان آلمان نازی گنجانده شده بود.

این تصویر به‌سرعت از روی شبکه‌های اجتماعی حذف شد و در اظهاراتی، مسئول تبلیغاتی تیم دونالد ترامپ آن را ناشی از اشتباه یک کارآموز اعلام کرد، اما همان زمان کم نمایش این تصویر برای حمله مخالفان به او کافی بود. البته باید گفت فقط مهاجران مکزکی یا دموکرات‌ها در دسته مخالفان

دونالد ترامپ قرار نمی‌گیرند. بسیاری از چهره‌های سیاسی جمهوری‌خواه جزء کسانی هستند که دونالد ترامپ را دوست ندارند. از جمله می‌توان به «جان مک‌کین» اشاره کرد که او نیز یک جمهوری‌خواه است و در سال ۲۰۰۸، نامزد ریاست‌جمهوری برای رقابت با «باراک اوباما» بود. دونالد ترامپ می‌گوید: «جان مک‌کین را یک قهرمان نمی‌دانم». مک‌کین در سال ۱۹۶۷ در ویتنام به اسارت درآمد و بعد از شش سال آزاد شد و هنگام بازگشت به کشور مانند یک قهرمان ملی مورد استقبال قرار گرفت. اما دونالد ترامپ می‌گوید مک‌کین در آن سال‌ها به اسارت ویتنامی‌ها درآمد و به همین دلیل هم به یک قهرمان جنگ تبدیل شده است اما او کسانی را قهرمان می‌داند که در طول جنگ آمریکا با نیروهای ویتنام شمالی، اسیر نشده‌اند. ترامپ حتی می‌گوید به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، به «بیل گیتس» زنگ می‌زند تا اینترنت را ببندد! ترامپ این ایده خود را به عنوان راهی برای مقابله با گروه‌های تروریستی مثل «داعش» ارائه کرده است. او در سخنرانی خود در کارولینای جنوبی، این ایده خنده‌دارش را با گونه‌های مطرح کرد: «ما به خاطر اینترنت کشته شده‌ایم. باید با بیل گیتس و دیگر کسانی که اتفاقات را درک می‌کنند، صحبت کنیم. باید با آنها صحبت کنیم و در برخی مناطق، اینترنت را ببندیم. برخی می‌گویند: آزادی بیان! این افراد احمق هستند». ترامپ همچنین در توئیتر، خطاب به «جف بزوس»، مدیرعامل «آمازون» گفت: «بزوس واشنگتن‌پست را که ضرر زیادی می‌دهد، به این دلیل نگه داشته است تا مالیات شرکت آمازون که سوددهی ندارد را کم کند». او در تویت دومی ادامه داد: «اگر آمازون مالیاتش را سقوط می‌کرد و مثل یک پکت کاغذی نابود می‌شد. دروغ واشنگتن‌پست، زنده نگه‌اش داشته است».

منبع: یورونیوز

نگاه

نباید ترامپ را جدی گرفت

به باور مفسران و تحلیلگران، چندین بار در طول رقابت‌های انتخاباتی درون‌حزبی در اردوگاه جمهوری‌خواهان، «دونالد ترامپ»، کاندیدای پیش‌نماز این حزب، پا را فراتر از کلیم خود گذاشته است؛ زمانی‌که او مکزیک‌ی‌ها را به ب‌ساد انتقاد گرفت، یا درباره مجروحان جنگ، زنان و طرفداران دیگر رقبای خود سخن گفت. اما او نه‌تنها هیچ‌گاه حاضر به عقب‌نشینی نشد، بلکه بر تعداد حامیانش نیز افزوده شد. اما این بار شرایط متفاوت است، چراکه منتقدان او دیگر رقبای هم‌حزبی یا کاندیداهای حزب رقب نیستند، بلکه انتقاد به سخنان او از مرزهای ایالات متحده فراتر رفته است. این بار حتی سخنان رقبای درون‌حزبی‌اش که پیش از این فقط با امید جذب حامیان ترامپ به اردوگاهشان، از او انتقاد می‌کردند، رنگ دیگری به خود گرفته است. اما او اکنون چه گفته است؟ او در بیانیه خود گفت می‌خواهد ورود همه مسلمانان به خاک آمریکا را تا زمانی که «رهبان بقمهدم چه واقع‌های در حال رخ‌دادن است»، ممنوع کند. وقتی که کمپین او در «کالیفرنای جنوبی» متوقف شد، او یک‌بار دیگر خواسته خود را در میان فریاد انبوه طرفدارانش تکرار کرد. در میان رقبایش، «جَب بوش»، فرماندار سابق ایالت «فلوریدا» و برادرش «جورج بوش» رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، گفت ترامپ «دچار اختلال مشاعر است. پیشنهادهای سیاست‌گذاری دونالد ترامپ را نباید جدی گرفت». «جان کاسیج»، فرماندار «اوهایو»، بیانیه او را «تفرقه‌ظالمانه» خواند و درهمین‌حال، «مارک رویبو»، سناتور «فلوریدا»، آن را «توهین‌آمیز و عجیب‌وغریب» دانست.

«دیک چنی»، معاون رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا، هم گفت: «اینکه بگوییم دیگر مسلمانی وارد کشورمان نشود و آنها را در محدودیت قرار دهیم، مغایر تمام باورهایی است که برای آنها ایستادگی کردیم و به آنها معتقدیم. آزادی مذاهب بخش مهمی از تاریخ و جایی است که از آن آده‌ایم. این تصور اشتباهی است.» «هیلاری کلینتون»، وزیر خارجه سابق آمریکا، نیز در واکنش به سخنان ترامپ، گفت: «این سخنان تفرقه‌آمیز، تعصب‌گرایانه و قابل سرزنش است که کشور ما را ناامن می‌کند». حتی سناتور «جان مک‌کین»، جمهوری‌خواه، هم طرح فرم «احقانه» خواند و تأکید کرد «از مدت‌ها قبل به این موضوع فکر می‌کردم که حرف‌هایش بیشتر به وجهه او لطمه می‌زند و او همچنان به این سخنان ادامه می‌دهد. طرح‌های ترامپ کاملاً احمقانه است». اما محکومیت‌ها فقط به مرزهای آمریکا محدود نشد. آژانس پناهندگان سازمان‌ملل متحد اعلام کرد نگران آن است که برنامه مهم آنان درباره اسکان مهاجران به خطر بیفتد و «دیوید کامرون»، نخست‌وزیر بریتانیا، تأکید کرد این سخنان تفرقه‌انگیز، ناامیدکننده و کاملاً اشتباه است. ترامپ اما با اشاره ضمنی به حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، گفت: بسیاری از مسلمان از آمریکا متنفر هستند و اگر ما می‌خواهیم «برج‌های تجارت جهانی بیشتری داشته باشیم»، ناچار به اتخاذ چنین رویکردهای تندی هستیم.

با وجود همه این انتقاده‌ا، هنوز افراد زیادی هستند که می‌گویند ترامپ رهبر قوی‌ای است و نسبت به «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا، عملکرد بهتری در سیاست خارجی دارد؛ گروهی که از هر اقدامی علیه مسلمانان حمایت می‌کنند. این در حالی است که حمله گذشته در «سن‌پترزایو» که در آن زن‌وشوهر مسلمان تئدرو ۱۴ نفر را کشتند و ۲۰ نفر را راهی بیمارستان کردند، بر شدت ترس این گروه افزوده است.



«شورای روابط آمریکا-اسلام» در واکنش به این‌اظهارات نامزد جمهوری‌خواه انتخابات آمریکا، در بیانیه‌ای نوشت: «اکنون وارد حیطه فاشیسم شده‌ایم.» مدیر این شورا سخنان ترامپ را تحریک‌آمیز توصیف کرد و افزود: «مسئله فقط ایراد اظهاراتی نیست. بلکه جریان اسلام‌هراسی ترامپ و «بن کارسون» در جریان کارزار انتخاباتی تبعیض، نفرت، حملات و جرایم خشن علیه مسلمانان و مساجد را برمی‌انگیزد. این لفاظی‌های آتش افروز، زندگی میلیون‌ها مسلمان و کودکانشان را به خطر می‌اندازد».

با همه اینها، ترامپ همچنان نامزد پیشرو جمهوری‌خواهان است و موضع‌گیری‌های او در مسائل مختلف مانند مهاجرت و امنیت ملی، دقیقاً همان مسواردی را هدف می‌گیرد که اکنون به مهم‌ترین نگرانی در بین شهروندان آمریکایی‌سی طرفدار حزب جمهوری‌خواه تبدیل شده است. در چنین شرایطی حتی نمی‌توان پیش‌نهاد کرد پیش‌نشارتی او به عنوان امری مقطعی نادیده گرفته شود؛ رقبای هم‌حزبی او همچنان در حال انتقاد از ترامپ هستند، چراکه نمی‌خواهند حامیانشان در میانه راه از آنان جدا شوند. بوش و کاسیج شاید بیشتر سخنرانی را علیه ترامپ انجام داده‌اند، آنان درواقع نمی‌خواهند این سخنان جنجالی به اردوگاه آنان نفوذ کند. «بریان بولتر»، یکی از تحلیلگران آمریکایی، می‌نویسد اشتباه است در تمامی موارد به طور کامل در مقابل ترامپ بااستیم، چراکه تجربه نشان می‌دهد درنهایت بسیاری از جمهوری‌خواهان تغییر موضع خواهند داد. اما ترامپ به‌خوبی می‌داند تا مدتی همه درباره او صحبت خواهند کرد و او می‌تواند به کمپین رقبایش نفوذ کند؛ رقبایی که فقط به رفتار او واکنش نشان خواهند داد و اگر از طرح‌هایشان درباره آمریکا نکویند، بر تعداد حامیان او افزوده می‌شوند. یکی از منتقدان لیبرال ترامپ، باجدیت می‌گوید ترامپ به‌شدت بر پیروزی متمرکز شده و حتی ممکن است در آینده سخنانی جنجالی‌تر نیز بگوید؛ سخنانی که کمپین انتخاباتی‌اش را منفجر خواهد کرد؛ امری که این تصور را منعکس می‌کند: او دوباره پا را از کلیشم فراتر خواهد گذاشت.

ترجمه نفیسه کریمی / منبع: الجزیره